

گنبد

است که بیشتر در آتشکده‌ها کاربرد داشت. در چارتاقها، برای نمونه در چارتاق نیاسر، شیوه انتقال از چارگوش به گنبد از سه عنصر بهره گرفته می‌شود: یک پیل پی چارگوش با چهارپایه و تاقنمای ورودی متقارن؛ چارگوش متحدالمرکز کوچکتر بر بالای این پی و گنبدی روی آن، در درون چارگوش کوچکتر، سنگجی بر هر گوشه که گنبد را به پایه‌ها متصل می‌کند. این سنگجیهای توکار قاعده گنبد را به هشت گوش (البته با ضلعهای نابرابر) و در رأس به یک شلجیمی (شکل مرکب از قوس‌های دواپر) تبدیل می‌کند.

دو پدیده ثابت طراحی آنها عبارتند از: بهره‌گیری از مصالح سبک (آجر) در خود سازه گنبد و در آرایه‌های ناحیه انتقال؛ سبک کردن بنا با چهار پنجره میان سنگجیها که هر کدام به شکل دو قوس متقاطع به سبک تاق آهنگ از هم به طور مشخص جدا شده‌اند. البته پدیده آخر بیشتر با معماری دوره آغازین اسلامی سازگاری دارد تا معماری اواخر دوره ساسانی در سروستان و چند چارتاقی آن هم به احتمال به دوره آغازین اسلامی تعلق داشته باشند. در کل، معماری ساسانی درباره گنبد آنچه را از گذشته گرفته بود، به همان صورت به دست آیندگان سپرد. گنبد چهارقاپوی قصر شیرین با گنبدهای فیروزآباد، که از نظر تاریخی هنوز به دوره اشکانی تعلق داشت، تفاوتی ندارد. گنبد روی فیلیوش معروف ساسانی در اصل ساسانی نیست. در واقع، از همان نوع گنبد با قالب گچی مسلح با نی است. تاق آهنگ آن را که با رجهای عمودی (تاق ضربی) یا مایل ساخته شده، در مصر در بنای راسنوم می‌بینیم. در آشور نیز این گونه گنبد دهلیزهای کاخهای خرساباد را می‌پوشاند و بعداً در عصر اشکانی در آشور بر روی ایوانهای پرژرف، مانند نمونه‌های ساسانی، دیده می‌شود. همچنین اصول تاق ایوان کرخه را در بنای الخضرا می‌یابیم.

تبدیل چند چارتاق به مسجد در دوره آغازین اسلامی، احتمال بقای گنبد قرار گرفته بر سنگجیها را از دوره ساسانی تقویت می‌کند. سازه گنبدخانه‌های مستقل در مساجد کوشکی، هر چند تنها در چند نمونه از مساجد سلجوقی و نه مساجد جامع شهرهای بزرگ دیده شده است، ادامه این سنت بوده باشد.

رواج آرامگاه‌های گنبددار در سده‌های آغازین اسلامی، در معماری گنبد اسلامی اهمیت یافت. آرامگاه‌های فرضی خلفای عباسی تا سده چهارم و نیز آرامگاه‌های بزرگان شیعه، از جمله این آرامگاه‌ها هستند. نمونه‌هایی از گنبدخانه‌های نسخه‌ساخت به سامانیان و نه خلفای عباسی تعلق دارند: آرامگاه گنبددار بخارا (پیش از ۳۲۱ق)؛ آرامگاهی در میانه راه بخارا و سمرقند (احتمال می‌رود ۲۶۷ق).

گناهان ۳ مورد هستند: فتنه، فروختن اسلحه به دشمنان، و بهتان. فصل سوم: گناهانی که نزد متدینین بزرگ می‌باشد که تعداد آنها ۵ مورد است: هتک قرآن، کعبه، مساجد مشرفه و تربت حسینی (گناهان کبیره، ۲ ص ۳۵۹).

خاتمه کتاب که در دو بخش است: بخش اول: تعریف توبه، حقیقت توبه، توبه کامله و شرایط آن، فضایل توبه و کیفیت آن. بخش دوم: نقل داستانهای بیدار کننده در این موضوعات (گناهان کبیره، ۴۰۴۱۲). مؤلف در جلد ۲ صفحه ۳۸۳ به گناهانی که کبیره بودندشان قطعی است اشاره کرده و نام می‌برد و گناهانی که محتمل است کبیره باشند را نیز فهرست کرده است. اضافه شدن مدارک عربی به پاورقی کتاب و نیز فارسی روان بودن متن، این ویژگی را برای این کتاب فراهم کرده که هم مردم عادی و هم اهل علم و تحقیق از این کتاب بهره می‌برند (گناهان کبیره، ۱۸۱۸). نیز، پاورقی‌های علمی در بحث حرمت ربا و موسیقی و شطرنج و... با استاد به اقوال دانشمندان غیراسلامی، از مزایای این کتاب است. نظر به اهمیت این کتاب و بحث تفصیلی آن در باب گناهان کبیره برخی از نویسندگان آثار فقهی و اخلاقی، در آثار خود از این کتاب بهره برده‌اند و یا خواننده را برای بحث تفصیلی به این کتاب ارجاع داده‌اند (الثقة للفتن، ۲۰۷، ۲۰۱؛ الکبائر من الذنوب، ۳۸). گفتنی است پیش از آیت الله دستغیب فاضل عالم سید مهدی یزدی حائری نجفی (م ۱۳۱۵ ق) نیز ۲ رساله به زبان فارسی با عنوان گناهان کبیره تألیف کرده است (تراجم الرجال، ۸۳۵۱۲).

منابع: در متن آمده است. سیدعلی سادات اخوی

گنبد، بام قوس دار که در معماری ایرانی گونه‌ها و آرایه‌های بی‌نظیر است. پیشینه آن در آثار موجود ایران به دوره ساسانی بازمی‌گردد و بنا به نظر برخی محققین، فن گنبدسازی که برگرفته از هرم سازی است، از مصر به ایران آمده است (← کمجیر). به نظر می‌رسد نخستین گنبد روی سنگجیها در کاخ فیروزآباد و قلعه دختر در فارس متعلق به دوره اردشیر بابکان (۲۲۴ - ۲۴۰ م) ساخته شده باشد. البته طراحی و اجرای سنگجیهای مخروطی (قوسهای تشکیل دهنده ناحیه انتقال در زوایای چارگوش) این گنبدها هر چند بزرگ اما ناپخته هستند. این گنبدها با گنبدهای رومی که بر پی گرد یا گنبدهای کوچکتر بر لچکی ساخته می‌شدند تفاوت بنیادی دارند. حتی نمونه‌های میانجی میان این گنبدها و گنبدهای پرشیب آجری ساده که اصل آنها را از بین النهرین باستان می‌دانیم، در دست نیست. اما عمده گنبدهای ساسانی چارتاقی

Mimar Sinan Üniv. Yük.Mim.Rölö.Resto.İstanbul 1977, III c, 458+133+89 s,
eb:50x45 cm.

Doktora tezinin adı :

"Selçuklu Kümbetlerinin Mimarimizdeki Yeri."

Anadolu kümbetleri, Anadolu dışındaki kümbetler; İran, Azerbeycan, Türkistan, Kırkızistan ve Irak'tan yararlanılan kaynaklar. Selçuklu kümbetleri ve mimarimizdeki yeri, mezar mimarisi ile ilgili sözcükler, Anadolu kümbetlerinin incelenmesi ve dışardakilerle karşılaştırma; inceleme ve karşılaştırma. (Fotoğraf kopya edilen kitaplar dizisi verilmiştir.)

I. Cilt : Metin 458 sayfa.

II.Cilt: Kümbetler, planlar, projeler 133 sayfa.

III.Cilt: Kümbetlerin resimleri, fotoğraflar 89 sayfa.

Tezde metin dışında, inceleme ile ilgili olarak dizin verilmiştir. 6 adet ozalit sayfa- çalışma bu şekilde tamamlanmıştır.

Kümbet

Rahmi Hüseyin Ünal

Vakıflar Der.

s.11, sf.122-124, Ank. 1976

SAHAF 7.

SELÇUKLULAR

TÜRBE

KÜMBET

HILLENBRAND, R. The development of Seljuq mausolea in Iran. *Art of Iran and Anatolia* ... ed. W. Watson, 1974, pp. 40-59.

İran'da Selçuklu türbeciliğinin gelişimi

مشکوتی، نصرت‌الله

۲۹۸۳- «جرجان - گنبد کاوس»، هنر و مردم، پیاپی ۵۱، ص ۳۳-۳۵، فارسی، مصور. محل نگهداری: خانه مطبوعات، دفتر تبلیغات اسلامی (قم) کد پارسا: A۵۳۱۹۱

معماری گنبدها؛ معماری

به بیان سبک معماری و اهمیت تاریخی برج گنبد قابوس در جرجان می‌پردازد. اهمیت شهر جرجان از دوره زمامداری ساسانیان آغاز می‌شود. این مکان در آغاز اسلام محل تاخت و تاز و جنگهای خونین میان آل بویه و سامانیان بود. در قرن چهاردهم و در دوره آل زیاد، این شهر مرکز یکی از بزرگترین دارالعلمهای اسلامی و مجمع ارباب علوم و هنر گردید. از آثار برجسته این دوره مقبره قابوس بن وشمگیر است که در شهر گنبدقابوس کنونی واقع شده و جزء اندوخته‌های معماری اسلامی ایران به شمار می‌آید. این مقبره شامل برج استوانه‌ای شکل بلند آجری است که روی یک صفحه دایره‌ای قرار دارد. بدنه بیرونی برج توسط ۱۰ بریدگی زینت یافته است. در روی بخش‌های دهگانه این برج دو رشته کتیبه آجری به خط کوفی ساده وجود دارد که در همه آنها یک متن تکرار شده است. بدنه این برج را آجرهای پخته قرمز تشکیل می‌دهند که به مرور زمان به رنگ زرد طلایی درآمده‌اند. اعجاز معماری این اثر قرن چهارم در سقف مخروطی شکل و حیرت‌آور آن می‌باشد. این سقف زیبا به قدری صاف و هموار ساخته شده که هیچ پرده‌ای نمی‌تواند روی آن بنشیند. داخل این برج هم همانند بیرون آن از سادگی برخوردار است. البته در جنوب جرجان برج دیگری در محله راگدان واقع شده که به تقلید از برج گنبد قابوس ساخته شده است.

نجابتی، مسعود

۲۹۸۴- *خطه نقش و رنگ در گنبدهای*

ایران، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه: هنر، دانشکده هنرهای کاربردی، ۱۱۴ ص، فارسی، استاد راهنما: قباد شیوا؛ استاد مشاور: هادی ندیمی، تاریخ دفاع: ۱۳۷۸. کد پارسا: P۱۲۵۸۳

معماری گنبدها

چند و چون گنبد شامل تعریف تاریخی، نمادین، و ساختاری، و تزئین در معماری اسلامی را بیان می‌کند و پیام روحانی و معنوی جلوه‌های مختلف هنری در گنبدها را توضیح می‌دهد. انواع نقوش هندسی، نباتی و مفهوم تجرید و پر و خالی در نقوش اسلامی معماری اسلامی، بررسی رنگهای هفتگانه، مصالح تزئینی و دلیل استفاده از آجر و کاشی از دیگر مباحث رساله است.

شکل نیمدایره‌ای آن به جای نمادین بودن به عنوان سقف استفاده می‌شد تبیین شکل گنبدها، مواد به کار رفته در آن، موارد استفاده، تحولات، تأثیرات، انواع و تزئینات و طرحها و تصویرهایی از گنبدهای عثمانی ساخت سنان از مباحث و موضوعات مقاله هستند. در پایان به علل و عوامل انتخاب سبک سنانی در دوره‌های بعدی پرداخته است.

گرابار، اولگ (۱۹۲۹م-); نسبییه، سعید

۲۹۷۹- *گنبد خاره*، لندن: تامس و هدسون، ۱۹۹۶م، ۱۷۶ ص، انگلیسی، رحلی (کالینگور)، کتابنامه: ۱۷۶-۱۷۵، مصور.

شابک: ۶-۳۴۱۴۸-۵۰۰-

محل نگهداری: کتابخانه مرکز میراث فرهنگی (تهران) کد پارسا: B۶۴۷۷۹
عنوان به لاتین:

The Dome of the Rock

معماری گنبدها؛ مبانی معماری مسجد

۲۹۸۰- «گنبد». *دایرةالمعارف فارسی*،

جلد ۲، ص ۲۴۱۴-۲۴۱۵.

کد پارسا: I۲۶۷۸۷

به طاقهای بلند و یا شکوه مساجد و اینیه قدیمی گفته می‌شود که به شکل نیمکره یا مخروطی و هرمی شکل ساخته می‌شود و عموماً با کاشیکاری تزئین می‌شود. در مقاله نام برخی از گنبدهای مشهور و توضیح مختصری از هر کدام آمده است.

معماری گنبدها

گیلانی، فریدون

۲۹۸۱- «دیداری از گنبد سلطانیه،

بزرگترین گنبد اسلامی»، هنر و مردم، پیاپی ۱۳۴، ص ۲۰-۲۴، فارسی، مصور.

محل نگهداری: خانه مطبوعات، دفتر تبلیغات اسلامی (قم) کد پارسا: A۵۳۲۳۶

معماری گنبدها؛ آثار تاریخی سلطانیه

مجرد، مصطفی

۲۹۸۲- «تحقیقی در باب میل گنبد و

انگیزه ایجاد آن»، کیهان فرهنگی، پیاپی ۱۴۷، ص ۲۸-۲۹، فارسی، کتابنامه: ۲۹، مصور.

محل نگهداری: خانه مطبوعات، دفتر تبلیغات اسلامی (قم) کد پارسا: A۴۶۴۴۲

معماری گنبدها

العربی»، المورد، سال ۶، شماره ۲، ص ۱۱-۱۴، عربی، کتابنامه: ۱۴.

محل نگهداری: کتابخانه تخصصی ادبیات (قم)

کد پارسا: A۵۳۵۸۵

معماری گنبدها؛ سبک‌های معماری

شکل‌های هلالی و قوسی در معماری عربی

را بررسی می‌کند. نویسنده پس از اشاره به جایگاه خطوط و نقوش‌های هلالی در هنر عربی، تفسیرهای سطحی که بازگشت این اشکال را به داستان کف یا خاصیت مکانیکی قوس می‌داند، رد می‌کند و سپس تفسیر درست را مبتنی بر سه اساس می‌داند: ۱- مفهوم و تصویری فراگیر برای هستی داشتن، از جمله کروی بودن زمین. ۲. بیانگر حقیقتی جغرافیایی بودن، از جمله مسیر حرکت خورشید و ماه از مشرق به مغرب. ۳. برگرفته از تصورات فلسفی، ریاضی و زیباشناختی بودن. وی در ادامه با بررسی تاریخچه ساخت گنبد طاق قوسی و مأذنه، پیدایش آنها را آغاز هزاره سوم و قبل از کلدانیان و آشوریان می‌داند که در طول تاریخ توسعه یافته است و در عصر اسلامی اهمیت بسیار پیدا کرد. سپس با اشاره به برخی از گنبدهای اولیه در عصر اسلامی به بررسی انواع کاربرد اشکال قوسی در گنبد و طاق قوسی می‌پردازد و در پایان پس از اشاره به تاریخچه ساخت مأذنه در اسلام، تحول در شکل حروف و اعداد و انحطاط پذیر شدن آنها را خصوصاً پس از اسلام بررسی می‌کند.

قصایبان، محمد رضا

۲۹۷۷- «گنبد خشتی»، حرم، پیاپی ۴۵ و ۴۶،

ص ۵۵، فارسی.

محل نگهداری: کتابخانه آستانه مقدسه (قم)

کد پارسا: A۴۱۵۸۰

معماری گنبدها؛ اماکن زیارتی مشهد

کیوبان، دوگان

۲۹۷۸- «سبک ساختارهای مقبره‌های

سینانی»، *مقرنس، سالنامه هنر و معماری*

اسلامی، جلد ۴ (شماره ۱۹۶)، ص ۷۲-۸۷، انگلیسی.

محل نگهداری: کتابخانه مرکز میراث فرهنگی (تهران) کد پارسا: G۲۵۴۴۶

عنوان به لاتین:

The Style of Sinan's Domed Structures

معماری گنبدها؛ مساجد

در میان بناهای یا گنبد بزرگ می‌توان به گروهی از مساجد عثمانی در قرون ۱۶ تا ۱۸ اشاره نمود که الگوی همگی آنها به فردی به نام *کوسنان*، رئیس معماران امپراتوری عثمانی در طول نیم قرن (۸-۱۵۲۸) باز می‌گردد. در سبک معماری قرن ۱۶، گنبد و مخصوصاً

Türbe (Kubbe, Kümbed)
Mashhad.

THE EARLIEST ISLAMIC COMMEMORATIVE STRUCTURES,
NOTES AND DOCUMENTS*

BY OLEG GRABAR

ONE OF THE MOST CHARACTERISTIC BUILDINGS of Islamic architecture is, without doubt, the monumental tomb. The Taj Mahal or the great Mamluk mausoleums in Cairo are visited by thousands of casual tourists, while every traveler in North Africa or the Near East has seen along the roads, on top of hills, in cemeteries of cities and villages, at times even in fields, hundreds of small shrines usually assumed to be the resting place of some saint or hero, or supposed to mark the spot of some celebrated or forgotten action. Many terms are used for these constructions, whether of a rough peasant work or exquisite artistry. They may be called *qubbahs* and *gunbadhs*, "domes," after their prevalent form, or *turbahs*, "tombs," from their most common function, or *imāmzādehs*, "sons of an imām," expressing their religious, almost ecclesiastical, connotation. They may be *walis* or *marbats*, "places of a holy personage," indicating their relation to some holy hero, *maqāms*, "places," when related to the emplacement of some event, *mashhadhs*, "places of witnessing," true *martyria* implying a commemorative value. At times, rarer terms such as *qasr*, "castle," or *dargāh*, "palace," were used for them. All these names—whose precise history and origins are still to be elucidated—illustrate the multiple facets of memorial construction in the minds of the Muslims.

The memorial building is not a peculiarly Islamic phenomenon. Indian *stupas* served to honor Buddhist relics; most ancient Near Eastern civilizations developed varying kinds of mausoleums; the nomadic world itself, whether Semitic in Arabia or Indo-European and Turkic in Central Asia, used more or less permanent forms of commemorative architectural symbols; Hellenistic and Roman memorial structures have remained in large numbers; and the *martyrium* was a central concept as well as form in the growth of Christian architecture.

It is easy to assume that Islamic memorial and funerary construction was but a continuation of the numerous traditions of the pre-Islamic or non-Islamic worlds, and this assumption underlies some of the studies which have been devoted either to precise Islamic examples¹ or to the most characteristic forms and functions of such buildings.² If such was the case, the problem for the historian of Islamic art would be simply to identify various types of commemorative forms used by the Muslims and to study their evolution. There are, however, two objections to the hypothesis that the new civilization simply and directly appropriated the procedures and func-

¹ E. Diez, *Persien*, Berlin, 1923, pp. 51 ff., 73 ff.; K. A. C. Creswell, *Muslim architecture of Egypt*, Oxford, 1952, vol. 1, pp. 110 ff.

² A. Grabar, *Martyrium*, Paris, 1946, vol. 1, pp. 85-86, 145. E. E. Smith, *The dome*, Princeton, 1950, *passim* and esp. pp. 41-44.

* This study was completed thanks to a grant from the Center for Near Eastern and North African Studies at the University of Michigan.

PAGE

SULLIVAN, MICHAEL *Chinese Calligraphy and Painting in the Collection of John M. Crawford*, edited by Laurence Sickman 228

ROWLAND, BENJAMIN *Chinese Painting in Hawaii*, by Gustav Ecke 233

IN MEMORIAM

EDWARDS, RICHARD Robert Treat Paine (1900-1965) 243

Board of Editors

OLEG GRABAR
JOHN A. POPE

RICHARD EDWARDS
WALTER SPINK

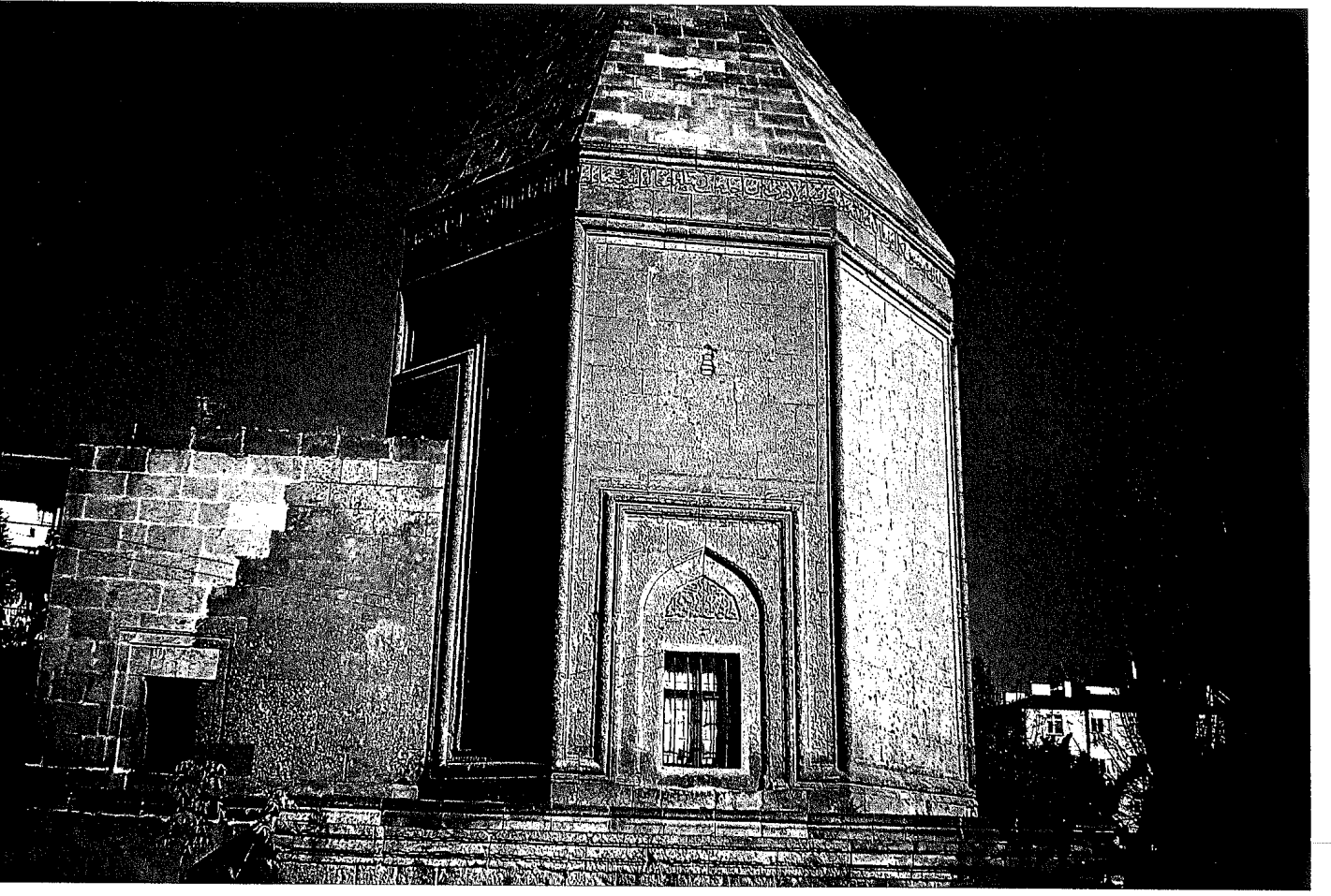
EDITORIAL OFFICE: DEPARTMENT OF THE HISTORY OF ART, UNIVERSITY OF MICHIGAN,
ANN ARBOR, MICHIGAN.

Books for review should be sent to the above address.

ARS ORIENTALIS, c. 6, s. 7-46

1966 (Michigan)

makale "TÜRBE" pošetihedite.



All Cafer Kümbeti.

K a y s e r i K ü m b e t l e r i

Dr. İlhan Akbulut

*K*ayseri, klasik çağlarda Kapadokya adı verilen bölgedir. Kayseri'de Eski Bronz Devrinde yerleşme yerleri, bilhassa Pınarbaşı yöresinde yaygındır. Kayseri'nin 22 km. kuzeydoğusunda yer alan Kültepe erken çağlarda Kayseri Ovası'nın en büyük şehri ve Anadolu'nun en büyük höyüklerinden biridir. Karahöyük Köyü içinde olan bu yer, biri yerlilerin oturduğu höyükten, öteki aşağı şehir veya Asur'lu tüccarların yerleştiği Karum alanından oluşmuştur. Höyüğün çapı 500 m., ova seviyesinden yüksekliği 20 m.dir. Kültepe, Demir Devri höyüklerinin en büyüklerinden biridir.

111530

KÜMBET

-
- 1 BURCU ÖZTÜRK, 14. yüzyıl Anadolu kümbetlerinde kripta problemi, Marmara Üniversitesi, Yüksek Lisans, 2008

TÜRKİYE
DİYANET VAKFI'NIN
HEDİYESİDİR.



Kümbet

25 TEMMUZ 1997

ANADOLU KÜMBETLERİ

1 SELÇUKLU DÖNEMİ

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No :	2797
Tasnif No. :	723.35 TUN.4

ORHAN CEZMİ TUNCER